

بازخوانی مسئله امنیت فرهنگی در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر بینش، نگرش و کنش مقام معظم رهبری)

فرزانه دشتی^۱

حدیث باقری‌نیا^۲

چکیده

بنا بر مدنی‌الطبع بودن نوع بشر، امنیت به عنوان یک مقوله فطری در طول تاریخ در ابعاد و سطوح مختلف، مورد توجه همه نظام‌ها سیاسی، ادیان، مکاتب و ایدئولوژی‌ها بوده است. تثبیت، نهادینگی و دغدغه‌مندی مسئله امنیت در ابعاد و سطوح مختلف آن به‌طور اخص بعد فرهنگی در سطح جامعه، نقش غیره قابل‌انکاری در پایداری و ضرورت نظم اجتماعی، حیات سیاسی مطلوب و دست‌یابی به پیشرفت و توسعه مادی - معنوی در همه نظام‌های سیاسی دارد و داشته است. در این پژوهش تلاش شده است تا با روش توصیفی - تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای - اسنادی با تحلیل بیانات رهبر انقلاب به واشکافی و تحلیل مقوله امنیت فرهنگی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. در این راستا مسأله بر آن است به این سؤال پاسخ دهد که در منظومه فکری و نگاه مدیریتی مقام معظم رهبری، امنیت فرهنگی چه جایگاهی دارد؟ نسبت فرهنگ و امنیت چگونه ارزیابی می‌شود؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فرهنگ همواره در تئوری‌ها و نظریه‌پردازی‌های مدیریت اجتماعی، به عنوان محوریت و شاکله ساختاردهی و سازماندهی نظام اجتماعی مطرح بوده است، اخیراً با مطرح‌شدن پارادایم جهانی‌شدن فرهنگ و رشد فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی، بر اهمیت آن افزوده شده است. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان حرکت و جنبشی فرهنگی به این مسئله به صورت ویژه توجه داشته است.

واژگان کلیدی:

امنیت، فرهنگ، مردم‌سالاری دینی، آیت‌الله خامنه‌ای، کار جهادی

farzanehdashti^{۳۰}@yahoo.com
hadisbagherinia@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۲۵

^۱ - دکترای علوم سیاسی و مدرس دانشگاه پیام نور آبادان
^۲ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه فردوسی مشهد
تاریخ ارسال: ۹۸/۱۰/۲۹

۱ - مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاورمیانه و ارائه نظم نوین منطقه‌ای و بین‌المللی و از سوی دیگر ارائه مدل حکومتی و نظام سیاسی مردم‌سالار دینی و سبک زندگی معنویت‌محوری، از سوی رقبایمنطقه‌ای و بین‌المللی با نگاه‌های مختلف تحلیل شده است. یکی از مؤلفه‌هایی که از سوی اغلب تحلیل‌گران داخلی و خارجی به‌عنوان شالوده اصلی این انقلاب مطرح شده است، تکیه بر قدرت نرم و اتحاد و انسجام درونی ملت ایران جهت خنثی کردن فشارها و شکاف‌های وارده علیه نظام سیاسی حاکم بوده است. به دنبال پایان گرفتن جنگ و تهدیدات نظامی و مبارزات سخت در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران هم با توجه به صبغه فرهنگی و ارزشی خاص از این قاعده مستثنا نبوده و نیست. این کشور پس از موفقیت در عرصه جنگ و نبرد سخت تحمیلی با همکاری و همراهی اغلب قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را به‌عنوان یک قدرت نوظهور و باثبات منطقه‌ای و حتی جهانی به همگان نشان داد. در وهله بعد دشمنان و رقبای ایران سعی کرده‌اند ابزارهای مختلفی را جهت مقابله و موانع قرار دادن در مسیر پیشرفت، تعالی و نفوذ اقتدار و قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران لحاظ کنند. مسئله نفوذ و استحاله از درون از جمله تاکتیک‌هایی بود که به‌صورت مستقیم و غیره مستقیم در دستور کار آن‌ها در دو دهه اخیر قرار گرفت. این مسئله مدنظر رهبران انقلاب و سایر نهادهای ارزشی و انقلابی قرار داشته است، از این‌رو آن‌ها هم در تلاش بودند از راه‌های و ابزارهای گوناگون جلوی این تاکتیک و هدف سازمان‌دهی شده دشمنان و کارشکنان داخلی و خارجی گرفته شود. امنیت فرهنگی و مبنا قرار دادن زیر مقوله‌های آن چون مردم‌سالاری دینی، سبک زندگی اسلامی، مطرح کردن بحث جنگ نرم، روحیه و کار جهادی، تکیه بر توان داخلی و اخیراً مقوله آتش به اختیار از جمله مهم‌ترین آن‌ها بوده است. در این مقاله تلاش می‌شود مسئله نفوذ سیاسی، اجتماعی دشمنان و رقبای کشور از منظر و ابعاد مختلف مورد و اشکافی و تحلیل قرار گیرد و به راهکارها و ابزارهای تحقق امنیت فرهنگی در ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه جهت برون‌رفت از وضعیت مذکور بر اساس اندیشه‌ها و افکار رهبر انقلاب اشاره گردد.

۲ - مفهوم شناسی پژوهش:**۲-۱ - امنیت**

امنیت از جمله مفاهیم بچیده‌ای است که تعریف واحدی از آن به‌سادگی میسر نیست. امنیت در لغت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، تشویش، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن و حائل است و در اصطلاح به معنای طمأنینه و آرامشی است که ترس و نگرانی را در حوزه فردی، اجتماعی و در همه زمینه‌های توسعه مادی و معنوی از انسان دور می‌کند. از لحاظ مفهومی، امنیت را می‌توان وضعیتی دانست که کشورها هیچ‌گونه احساس خطر حمله خارجی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکنند و بتوانند آزادانه گسترش و توسعه خویش را دنبال کنند در عین حال، امنیت را می‌توان وجود فضایی توصیف کرد که عاری از تهدید و خشونت است و فرصت‌های تعالی و رشد مادی و معنوی در آن وجود دارد و افراد از دغدغه آسیب دیدن جسم و روان خویش رها باشند (موسوی و قربی، ۱۳۹۲: ۳۲). از طرفی امنیت بیش از آن که مفهومی قابل توضیح و تعریف باشد، امری ذهنی، محسوس و قابل درک است. گستره درک این مفهوم به اندازه تمام موجوداتی است که حیات

خودآگاهانه دارند. هر مخلوقی که توانایی درک حیات خود را داشته باشد می‌تواند عدم حیات خود را نیز متصور شود، در نتیجه در برابر شرایطی که به عدم حیات منجر می‌شود، مقاومت می‌کند. این مقاومت را می‌توان به عنوان تلاش برای رفع تهدیداتی تعریف کرد که به نابودی حیات منجر می‌شوند. لذا امنیت به عنوان ابزاری برای حفظ، تداوم و ارتقاء حیات بشری تعریف می‌گردد (آشنا، اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۷۴). بنابراین امنیت اولین عاملی است که موجب می‌شود انسان‌ها کنار هم آیند، از نیروی هم کمک گرفته، در مسئولیت‌ها یا اجتماعی مشارکت جویند تا آسوده‌تر و مطمئن‌تر زندگی کنند (خواجه وند احمدی، همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۴). بدین حیث هیچ جامعه‌ای بدون داشتن امنیت فکری و فرهنگی به امنیت سیاسی اجتماعی پایدار نخواهد رسید. رفتار و اعمال انسان، در حقیقت نمود عینی و خارجی اندیشه‌ها و موج‌های ذهنی اوست که در بیرون به شکل‌های مختلف ظاهر می‌شود (حبیبیان، صبوری، ۱۳۹۱: ۴۱). از این رو بخش عمده‌ی نیازهای اساسی شهروندان در جامعه متأثر از امنیت است. در نظام جمهوری اسلامی ایران و اهداف کلان آن، اهمیت یک مقوله حیاتی در همه ابعاد و سطوح مختلف جامعه است. در همین راستا رهبر انقلاب در تأکید بر ضرورت و اهمیت امنیت فرمودند «امنیت، مثل هوا برای انسان، به‌طور مستمر لازم است. اگر جامعه امنیت نداشته باشد، حالت اختناق پیدا می‌کند؛ مثل مجموعه‌ای که هوا در اختیار نداشته باشد. این، اهمیت امنیت است. امنیت هم متعلق به همه است. امنیت تهران، واجب‌تر از امنیت مردم مرزنشین جنوب و شرق و غرب کشور نیست. در همه شئون زندگی، امنیت یک ضرورت برای انسان است (بیانات در دیدار جمعی از فرمان‌های نیروی انتظامی ۷۶/۴/۲۵). همانطور که گفته شد امنیت از اهم مسائل ضروری در جامعه است که توجه ویژه رهبری را به خود جلب کرده است. بنابراین ضروری است با توجه به اهمیت این مسئله ابتدا ابعاد امنیت را توضیح دهیم.

۲-۲ - ابعاد امنیت

امنیت ابعاد متعددی را شامل می‌شود که تاریخ عملی فضای انسانی و اجتماعی تعریف‌کننده وجوه آن بوده است. در یک‌چشم انداز کلی امنیت دربرگیرنده سطوح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و غیره است که ذیل به توضیح مختصری از این ابعاد خواهیم پرداخت.

۲-۲-۱ - امنیت سیاسی

در یک تعریف کلی، امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش وطمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آن‌ها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آن‌ها می‌باشد (مقدم، ۱۳۹۴: ۱۲۵). نظام سیاسی در راستای امکان‌بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، می‌بایستی امنیت و حضور آزادانه و برابر آن‌ها را فراهم آورد و هیچ کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند. به تعبیری امنیت سیاسی برای همگان تنها در سایه برابری در مقابل قانون است، چه از نظر وضع قانونی و چه از لحاظ اجرای قانون (خواجه وند احمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۷). این بعد از امنیت که در قالب انتخابات‌های متعدد در سطوح شورای شهر و روستا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و ریاست جمهوری بوده است در نظام سیاسی مردم‌سالار دینی ایران به خوبی و جدیت مورد توجه قرار گرفته است. امام خمینی (ره) در آن جمله تاریخی میزان را رای ملت دانست. آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر این امر اهتمام ویژه ای داشتند ضمن برگزاری مداوم و استمرار این فرآیند در مورد مسئله امنیت سیاسی می‌فرمایند: «امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف

سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگانه‌گویی و دوگانه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. معنایش این است که کسانی که متصدی نوشتن و پخش کردن و منتشر کردن معارف فکری جامعه هستند، دروغ نگویند، فریب ندهند، تقلب نکنند و در طعامی که علی‌الظاهر شیرین است، زهر مخلوط نکنند این امنیت سیاسی است» (بیانات رهبردردیدار با سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۷۸/۶/۱۰).

۲-۲-۲- امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی در دنیای پس از جنگ سرد، به‌طورروزافزونیبه‌عنوان بعدی از امنیت مطرح شد. دانش‌پژوهان و سیاست‌گذاران ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با سلامت جامعه، به دنبال راه‌های جدیدی برای واردکردن موضوعات اقتصادی در راهبردهای سنتی دفاعی بوده‌اند. لذا خطر بزرگی که امروز در مورد نظریات رایج امنیت اقتصادی وجود دارد این است که به‌غلط آن را تنها بعد مهم در مورد امنیت ملی تلقی کنیم؛ چنان‌که در دوران گذشته نیز چنین برداشتی درباره امنیت نظامی وجود داشت. امنیت اقتصادی عبارت است از: میزان حفظ ارتقا شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی (سیف، ۱۳۸۹: ۱۰). در جوامع اسلامی جهت تحقق امنیت اقتصادی ابتدا باید معنویت و ارزش‌های اخلاقی مانند ارزش بودن عمل صالح و خیرخواهی بر ارزش‌های مادی مانند ثروت‌اندوزی، قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی ارجح و اولی باشند تا هویت اسلامی دینی شکل گرفته و تثبیت شوند. در غیر این‌صورت در معرض خطر ظاهرگرایی دورویی و مذهبی نبودن ازدرون خواهیم بود و نهادهایی و سازمان‌هایی به ظاهر اسلامی ایجاد خواهد شد که هیچ رنگ بویی از اسلام واقعی نخواهد داشت و به سبب ناکارآمدی نهادهای با بحران امنیت اقتصادی مواجه خواهیم شد. بنا بر فرمایشات مقام معظم رهبری امروزه مسئله امنیت اقتصادی از امور خطیر به شما می‌رود که نگرانی‌های را برای اقتصادی کشور در پی دارد. ایشان با تأکید بر این موضوع اذعان داشتند: «امروز یکی از مسائل اساسی کشور، مسئله‌ی اقتصاد و معیشت مردم است، اشاره‌کنم که اقتصاد هم نیازمند امنیت است؛ بنای اقتصادی کشور هم بایستی بر یک بنیاد امنی نهاده شود. مشکل ما، مشکل تاریخی ما، مشکل بازمانده‌ی ما از دوران طاغوتی، وابستگی اقتصاد ما به نفت است؛ این موجب شده است که ما در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، دغدغه‌ی امنیت را در همه‌ی دوران، زیاد داشته باشیم؛ قیمت نفت کم شد، زیاد شد، فروش نفت ممنوع شد، رفت و آمد نفت مشکل شد، فلان مشتری نفت پول ما را نداد. وقتی همه‌چیز بر محور نفت در اقتصاد می‌چرخد، اقتصاد ناامن است؛ اقتصاد هم بایستی امن بشود» (بیاناتدر مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۹۶/۸/۳).

۲-۲-۳- امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی مقوله‌ای است که افراد و دولت‌ها به همراه یکدیگر در تأمین آن سهیم و شریک هستند و از این‌رو، به‌تدریج و همگام با غیرقابل تفکیک شدن دولت و جامعه از یکدیگر، همین حالت در خصوص ناامنی آن دو مصداق پیدا می‌کند (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۶۱). دورکیم امنیت اجتماعی را وضعیتی می‌داند که در آن گروه‌های همبسته مبتنی بر ارزش‌ها، باورها و اعتقادات جمعی مشترک بر اساس تنظیمات هنجارمند جهت ورود افراد به نظام تقسیم‌کار اجتماعی برای ارضای تمایلات و ایجاد خشنودی، آمادگی یافته و عمل اجتماعی آنان به‌سوی انسجام، تعادل و تشدید پیوندهای اجتماعی و تثبیت بیشتر ارزش‌ها و هنجارها جهت‌گیری شده است (امانتبه نقل از دورکیم، ۱۳۹۰: ۱۶۴). درواقع انسان‌ها- به لحاظ فطری نیازمند یک محیط سالم و امن هستند اما در حال حاضر امنیت اجتماعی

شهروندان چه در سطح ملی چه در سطح بین‌المللی باچالش‌های عظیم روبرو است. در ایران آمار خشونت‌های فیزیکی و غیر فیزیکی وضعیت خوش‌بین‌کننده‌ای را برای آینده کشور پیش‌بینی نمی‌کنند. مقام معظم رهبری بارها بر مسئله امنیت اجتماعی تأکید نمودند و طی بیانات گذشته ایشان امنیت اجتماعی را ایجاد محیطی امن و بدون خوف و وحشت که در آن شهروندان احساس امنیت کنند، تعریف نمودند و بزرگ‌ترین خصوصیت اجتماعی و نیاز یک جامعه را، امنیت دانستند. و می‌فرمایند: «اگر امنیت نباشد، بسیاری از خیرات جامعه، از آن جامعه رخت خواهد بست» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی ۷۸/۷/۱۷)

۲-۲-۴- امنیت فرهنگی

فرهنگ به سبب پیچیدگی مفهوم و معانی متعدد تعریف مشخصی ندارد؛ اما به معنی این نیست که نظریه‌پردازان چنین امر خطیری را نادیده گرفته باشند. اصلاح فرهنگ به معنای جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی آن نخستین بار به وسیله مردم‌شناس انگلیس، تایلور در سال ۱۸۷۱ میلادی در کتابی به نام فرهنگ ابتدایی به کار رفت. وی آن را چنین تعریف کرد: «مجموعه‌ای که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که انسان به عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرامی‌گیرد و در قبال آن جامعه، تعهداتی به عهده دارد. فرهنگ در نگاه وی دارای دو بعد معنوی و مادی است؛ فرهنگ معنوی شامل: رسوم، اعتقادات، علوم و هنرها می‌شود و فرهنگ مادی شامل ابزارها و اشیایی است که توسط انسان‌ها در گذشته ساخته شده و به دست ما رسیده است» (رضایی، ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۱۸). از منظر جامعه‌شناسان، فرهنگ آن نگرشی است که ما به دنیا داریم و آنچه راجع به زندگی در تمام ابعادش فکر می‌کنیم و همچنین رفتار ما و چیزهایی است که تولید می‌کنیم. در واقع ارزش‌ها، هنجارها، دانش، هنر، عواطف، سلايق و در کنار هنجارها، آداب، رسوم و قوانین و محصولات مادی و معنوی انسان‌هاست (زمانی، شفيعی، ۱۳۸۳: ۱۱۵) جوهره فرهنگ را هویت شکل می‌دهد و زمانی که باورها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ای دگرگون می‌شوند، هویت چنین جوامعی نیز متحول می‌گردد (باقری، ۱۳۸۸: ۶۳). بنابراین فرهنگ دارای مفهوم پویا است و به مجموعه از باورها و ارزش‌های نهادینه‌شده در هر جامعه اطلاق می‌شود که آن را از دیگر جوامع متمایز می‌سازد.

اما در خصوص ارتباط مفهومی امنیت و فرهنگ باید گفت این مفاهیم دو مقوله تأثیرگذار و مکمل یکدیگرند. لذا برخورداری از یک فرهنگ زنده و پویا مستلزم برقراری امنیت در جامعه است زیرا در جامعه‌ای که امنیت برقرار نباشد، اساس جامعه متزلزل خواهد شد و آشفتگی در تعاملات انسانی مانع شکل‌گیری هویت فرهنگی صحیح می‌شود. بدین منوط در صورت عدم شکل‌گیری هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم رفتاری مشترک و به طور کلی فرهنگ، جامعه دچار معنا شده، تلقی مشترک از امنیت به وجود نمی‌آید و تعارضات معنایی اساس شکل‌گیری امنیت پایدار را متزلزل نموده، آرامش شهروندان و جامعه را از بین خواهد برد. از این منظر امنیت فرهنگی به معنی قابلیت و توانایی حکومت‌ها در حفظ و دفاع از ارزش‌ها، ایده‌ها، هویت و به طور کلی فرهنگ خاص یک جامعه می‌باشد، به نحوی که این چارچوب، تشکیل‌دهنده ساختار فرهنگی ملی یک کشور در داخل سیستم دولت - ملت و متمایزکننده ملت یک کشور از کشورهای دیگر است (میلانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۵). امنیت فرهنگی، مؤلفه اصلی و بنیادین امنیت ملی است. جامعه بالنده و پویا، با تأمین امنیت خویش، خاستگاه مناسبی برای تضمین هنجارها و ارزش‌های فرهنگی است. از یک سو، بالندگی فرهنگی در یک جامعه،

ضامن حفظ امنیت، همگرایی و ثبات در حوزه ملی و بین‌المللی است (نائینی، ۱۳۸۵: ۱۹۱). از سوی دیگر، امنیت فرهنگی مهم‌ترین و نامحسوس‌ترین بعد امنیت ملی است و تهدیدات فرهنگی هر کشور از پیچیده‌ترین گونه‌های تهدید علیه امنیت ملی آن کشور به شمار می‌رود. امنیت فرهنگی در ذیل موضوع امنیتی ملی کشورها قرار دارد و از مؤلفه‌های اصلی آن به شمار می‌رود. تأکید بر عناصر فرهنگی و ارزشی امنیت ملی کشورها با تعاریف جدید عرضه شده از امنیت ملی هم تناسب دارد. با این رویکرد می‌توان امنیت فرهنگی را شرایطی دانست که طی آن «هر ملت بتواند ضمن حفظ هویت فرهنگی خویش و بدون برخورد با موانع بشری، مسیر تکاملی خود را ببیماید» (همان، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۵). از این رو هیچ جامعه‌ای بدون داشتن امنیت فرهنگی به امنیت سیاسی، اقتصادی اجتماعی نمی‌رسد. در واقع پیشرفت و ارتقاء فرهنگ یک جامعه موجب افزایش امنیت اجتماعی و با افزایش امنیت اجتماعی، موجبات امنیت اقتصادی و فرهنگی و امنیت قضایی و مرزی تأمین خواهد شد. مقام معظم رهبری در میان جمعی از فرماندهان کشوری و لشکری و بسیج و سپاه، امنیت فرهنگی و اخلاقی را سومین بعد امنیت دانستند و با اشاره به دغدغه و تلاش مردم برای دور ماندن فرزندان‌شان از اعتیاد و فساد و ناهنجاری‌های اخلاقی اذعان کردند: «در تأمین امنیت فرهنگی و اخلاقی جامعه، نیروهای مؤمن و جان بر کف بسیج و نیروی انتظامی هر کدام در جای خود و با وظایف مشخصی باید تأمین‌کننده این امنیت باشند» (بیانات در مراسم مشترک یگان‌های نظامی استان کرمان ۸۴/۲/۱۵). بدین ترتیب با توجه به ضرورت و جایگاه امنیت فرهنگی در بیان و اندیشه رهبری در ذیل به عوامل اخلاقی‌کننده نظم و امنیت فرهنگی از منظر رهبری می‌پردازیم:

۳- آسیب‌شناسی امنیت فرهنگی از منظر و اندیشه رهبر انقلاب

۳-۱ - نفوذ فرهنگی

نفوذ شکلی ظریف و نامرئی از قدرت است که از طریق تسخیر و تسلط دستگاه محاسباتی و نظام تصمیم‌گیری بر یک فرد، گروه، دولت اعمال می‌شود. به عبارتی نفوذ جزئی از مفهوم قدرت و در واقع، پیش‌شرط و پیش‌زمینه اعمال قدرت به شمار می‌رود (خدایار، ۱۳۹۴: ۱۰۰). تلاش برای رخنه و نفوذ در کشور، اساساً برای تغییر ارزش‌های مردم کشورمان است که خود ارزش‌ها مقوله بنیادین شکل‌دهنده به فرهنگ هستند؛ بنابراین، هدف دشمن برای نفوذ در کشور این است که با تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های مردم کشورمان، زمینه تغییر رفتار و سرانجام براندازی نظام اسلامی را فراهم سازد (همان، ۱۳۹۴: ۱۰۵). مقام معظم رهبری عواقبی را که نفوذ فرهنگی در جامعه ایران به وجود خواهد آورد، بسیار مهم‌تر از پیامدهای دیگر دانست و می‌فرماید: «با مسائل فرهنگی شوخی نمی‌شود کرد، بی‌ملاحظگی نمی‌شود کرد؛ اگر چنانچه یک رخنه فرهنگی به وجود آمد، مثل رخنه‌های اقتصادی نیست که بشود آن را جمع کرد، پول جمع کرد یا سبد کالا داد یا یارانه نقدی داد؛ این جوری نیست، به این آسانی دیگر قابل‌ترمیم نخواهد بود، مشکلات زیادی دارد (بیانات رهبر ۹۲/۱۲/۱۵). ایشان بر این عقیده‌اند که دشمن از طریق شناسایی افراد نخبه و اساتید مطرح کشوری و نفوذ در بین آن‌ها درصدد تضعیف هویت فرهنگی و تخریب ارزش‌ها و باورهای اسلامی می‌شود. دشمن برای تغییر باورهای دینی و انقلابی از هر ابزار و دستاویزی استفاده می‌کند. رهبر انقلاب می‌فرماید دشمن با نفوذ فرهنگی سعی در دگرگون کردن ارزش‌ها و باورهای جامعه دارد. آن باورهایی که جامعه را سرپا نگه می‌دارد از بین ببرند و اختلال رخنه در آن‌ها به وجود آورند (بیانات رهبر در دیدار با فرماندهان سپاه ۹۴/۶/۲۵). ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «باورهای مردم باید عوض

بشود. باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی و وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد» (بیانات رهبر در دیدار با اعضای مجلس خبرگان ۹۴/۱۲/۲۰). بدین ترتیب دشمن از طریق رواج پوشش غیر اسلامی، تغییر ذائقه مردم، تغییر آرمان‌ها و ارزش‌ها-ی انقلاب و تغییر دیدگاه مردم به‌خصوص قشر جوان و تحصیل‌کرده نسبت به بنیان‌گذاران انقلاب، سعی در ریختن قبح مسائل اخلاقی در میان مردم شده و جوانان را به انحراف می‌کشانند.

در ذیل راه‌های نفوذ فرهنگی استنتاج شده از بیانات مقام معظم رهبری به‌صورت نمودار ترسیم شده است:

(نگارندگان تجزیه تحلیل بیانات رهبری در مورد نفوذ فرهنگی)

رهبر انقلاب لشکرکشی‌های نظامی ابرقدرت‌ها و استعمار ملل کوچک در گذشته را نشانی مبنی بر نفوذ فرهنگ نامشروع ابرقدرت‌ها و بیگانگان دانستند که امروزه بانام‌های موجه، آن‌ها را توجیه می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «امروز قدرت‌های جهانی، حتی با زور نظامی، می‌خواهند فرهنگ خودشان را منعکس و منتقل کنند. آمریکایی‌ها به شیوه‌ای که در مورد دولت و حکومت و نظام اجتماعی و اقتصادی قائل‌اند، به اینجا و آنجا دنیا لشکرکشی می‌کنند. یعنی این طغیان نفوذ نامشروع فرهنگ بیگانه، به اینجاها هم می‌رسد؛ تحت نام‌های موجه مثل حقوق بشر (بیانات رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۷۲/۵/۱۲). ایشان یکی دیگر از نشانه‌های نفوذ را مذاکره آمریکا با جمهوری اسلامی ایران می‌دانند و براین عقیده‌اند که نفوذ دشمن، پایه اقتصاد محکم را متزلزل می‌کند و نفوذ فرهنگی جاده‌صاف‌کن دشمن برای نفوذ سیاسی و اقتصادی است. رهبر معظم انقلاب همچنین با آینده‌نگری، به‌طور غیرمستقیم به نفوذ فرهنگی پنهان اشاره می‌کنند و از مهدهای کودک مثال می‌زنند و با دشمن‌شناسی، از تلاش دشمن برای یافتن نقاط نفوذ‌پذیر سخن می‌گویند و نظام اسلامی و ملت را از موانع نفوذ فرهنگی دشمن می‌دانند. در بیانات رهبر معظم انقلاب درباره نفوذ، واژه مهم تور نامرئی به نفوذ فرهنگی نسبت داده و بر بیرون کشاندن جوانان از این دام تأکید شده است (بیانات رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آن - ۹۴/۷/۱۵). با توجه به مباحث گفته شده در فوق شاخص‌های که رهبر معظم انقلاب درباره نفوذ فرهنگی به آن‌ها اشاره کرده‌اند عبارت‌اند از: (نگارندگان)

۳-۲- ولنگاری فرهنگی

رهبر انقلاب اخیراً در سخنرانی‌ها و جلساتشان از واژه ولنگاری فرهنگی نام برده‌اند ایشان می‌فرمایند: مسئله‌ی فرهنگ، مسئله‌ی مهمی است و من در مسئله‌ی فرهنگ احساس یک ولنگاری می‌کنم؛ چه در تولید کالاهای فرهنگی مفید و چه در جلوگیری از کالاهای مضر فرهنگی. واژه «ولنگاری» که در لغت‌نامه مرحوم دهخدا این‌گونه معنی شده. لاابالیگری. سهل‌انگاری. بی‌قیدی؛ بی‌شک نمایی از همه این لغات و واژگان را در معنا و فلسفه واژگانی‌اش در بردارد. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب پیش‌از این در باب معضلات جدی فرهنگی هم از چنین لغتی استفاده نکردند و با توجه به تسلط ایشان به مقوله فرهنگ و به‌خصوص ادبیات، این مهم جای نگرانی شدید دارد که کار در عرصه فرهنگ مملکت به کجا رسیده است که ایشان برای وصف حال رو به احتزار فرهنگ از چنین واژه‌ای یاد می‌کنند. ولنگاری فرهنگی خطر یک خشک‌سالی و قحطی بزرگ فرهنگی است که گویی قرار است همانند قحطی بزرگ سال ۱۲۹۶، قربانیان بی‌شماری از مملکتمان بگیرد (بیانات رهبر در میان نمایندگان مجلس دهم

۳-۳- تهاجم فرهنگی

قرن بیست و یکم، عصر رسانه و ارتباطات است. همان طور که مک لوهان می‌گوید جهان همانند دهکده‌ای است که از هزاران فرسخ افراد باهم در تعامل و از روند دگرگونی و تحولات بشری باخبر می‌شوند. ماحصل چنین وضعیتی مبادله فرهنگی و تهاجم فرهنگی است. مبادله فرهنگی نه تنها امری مذموم نیست بلکه بسیار تأثیرگذار است اما متأسفانه امروزه ما با پدیده تهاجم فرهنگی روبرو هستیم. تهاجم فرهنگی سابقه طولانی دارد و به حدی خطرناک و حتی می‌توان گفت اثرگذار است که بیم آن می‌رود در صورت موفقیت به اهدافشان نائل آیند. تاریخ هم بر موفقیت این چنین روش‌هایی گواهی می‌دهد. توطئه اندلس نمونه عینی تهاجم فرهنگی علیه مسلمین است که در آن غربی‌ها توانستند با گسترش فساد جنسی جامعه اسلامی آن روز اندلس را از درون ازهم‌پاشیده و نهایتاً بر آنان غلبه کنند. برخی تهاجم فرهنگی را این‌گونه تعریف کردند: جنگ فرهنگی بین دو یا چند فرهنگ با به‌کارگیری ابزارهای فرهنگی از قبیل تبلیغات، ارتباطات، هنرها صورت می‌گیرد. عناصر تهاجم فرهنگی عبارت‌اند از نظام فرهنگی تهاجم که فرمان سلطه فرهنگی بر نظام فرهنگی دیگر است. دوم نظام فرهنگی موردتهاجم که عناصر اصلی‌اش در اثر هجوم دچار انحطاط و زوال می‌گردد. سوم فعل تهاجم فرهنگی چهارم ابزار تهاجم فرهنگی تبلیغات گسترده ارتباطات ماهواره‌ای، ارشاد، فرقه سازی مذهب علیه مذهب می‌باشد. از این رو هدف تهاجم فرهنگی در واقع نابودی فرهنگ مهاجم به جای آن که هدیره نهایت سلطه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی در پی خواهد داشت (جمشیدی، ۱۳۷۳: ۱۰۲-۱۰۳). در تعریف پدیده‌ی تهاجم فرهنگی دیدگاه رهبر معظم انقلاب، قابل توجه است. از نظر ایشان: «در تهاجم فرهنگی یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی، برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم، باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند؛ و دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، سعی می‌کند جوانان را به انحراف بکشاند. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند تنها یک تهاجم فرهنگی است بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی و یک قتل عام و غارت فرهنگی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا، ۷۱/۴/۲۲). ایشان در ادامه می‌فرمایند در تهاجم فرهنگی، دشمن به دنبال ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است. تهاجم فرهنگی مثل خودکار فرهنگی آرام و بی‌سروصداست و سعی می‌کنند جوانان را از پابندی‌های متعصبانه ایمان که عامل مهمی در برپا نگه‌داشتن تمدن اسلامی است، از بین ببرد و در مرحله ضعف یک ملت ظهور می‌کند.

از دیگر نکات حائز اهمیت در رابطه با پدیده تهاجم فرهنگی بحث رسانه است. رسانه نقش اصلی در جهت‌دهی به افکار عمومی برعهده دارد از این جهت، رهبر معظم رسانه را از دیگر عوامل اشاعه تهاجم فرهنگی برشمردند و می‌فرمایند: «این وسایل رسانه‌ای جدید، هم یک فرصت است، هم یک خطر است؛ فرصت از دو نظر، خطر از یک جهت. خطر از این جهت که ممکن است این حرف‌ها و شبیه‌ها، در ذهن جوان‌ها و در ذهن غیر جوان‌ها اثر بگذارد و این‌ها را منحرف کند؛ این جهت خطر است» (دیدار جمعی از مدیران و اساتید مؤسسه امام صادق با رهبر انقلاب ۱۳۹۶/۰۳/۰۱). ایشان پیش‌تر بر مسئله مقاومت در مقابل پدیده تهاجم بیان داشتند: «مقابله‌ی قوی، تهاجمی و متکی بر منطق، راه اساسی خنثی کردن طرح‌ها و توطئه‌های جبهه‌ی مستکبران خواندند و افزودند: باید در همه‌ی زمینه‌ها از جمله حقوق بشر، تروریسم و جنایات جنگی در مقابل غرب حالت هجومی داشته باشیم» (دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری با رهبر انقلاب ۱۳۹۵/۱۲/۱۹). رهبر معظم انقلاب در نامه به ایرانیان

خارج از کشور بر اهمیت این پدیده تأکید و ظهور داعش را نتیجه تهاجمی فرهنگی عنوان کردند. ایشان اشاره کردند «متأسفانه این ریشه‌ها طی سالیان متمادی، به تدریج در اعماق سیاست‌های فرهنگی غرب نیز رسوخ کرده و یک هجوم نرم و خاموش را سامان داده است. اما در دوره‌ی معاصر، جهان غرب با بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته، بر شبیه‌سازی و همانندسازی فرهنگی جهان پافشاری می‌کند. من تحمیل فرهنگ غرب بر سایر ملت‌ها و کوچک شمردن فرهنگ‌های مستقل را یک خشونت خاموش و بسیار زیان‌بار تلقی می‌کنم. تحقیر فرهنگ‌های غنی و اهانت به محترم‌ترین بخش‌های آن‌ها در حالی صورت می‌گیرد که فرهنگ جایگزین، به هیچ‌وجه از ظرفیت جانشینی برخوردار نیست. به‌طور مثال، دو عنصر پرخاشگری و بی‌بندوباری اخلاقی که متأسفانه به مؤلف‌های اصلی فرهنگ غربی تبدیل شده است، مقبولیت و جایگاه آن را حتی در خاستگاهش تنزل داده است. باکمال تأسف باید بگویم که گروه‌های فرومایه‌ای مثل داعش، زاییده‌ی این گونه وصلت‌های ناموفق با فرهنگ‌های وارداتی است. اگر مشکل واقعاً عقیدتی بود، می‌بایست پیش از عصر استعمار نیز نظیر این پدیده‌ها در جهان اسلام مشاهده می‌شد، در حالی که تاریخ، خلاف آن را گواهی می‌دهد. مستندات مسلم تاریخی به‌روشنی نشان می‌دهد که چگونه تلافی استعمار با یک تفکر افراطی و مطرود، آن‌هم در دل یک قبیله‌ی بدوی، بذر تندروی را در این منطقه کاشت» (نامه رهبر انقلاب اسلامی به عموم جوانان در کشورهای غربی، ۹۴/۹/۸). ایشان در جای دیگری خاطرنشان می‌کنند: «هدف این تهاجم فرهنگی با چنین ابعادی، اسلام و انقلاب و ماهستیم» (بیانات رهبر ۶۸/۹/۷). اما بعد از مدتی ایشان تهاجم فرهنگی جدید را جنگی عظیم علیه اسلام عنوان کرد که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد و خاطرنشان کردند: «این تهاجم، وسیع‌تر از انقلاب و علیه اسلام است. چیز عجیب و فوق‌العاده‌ای است که با تمام ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی، علیه اسلام - و حتی اسلامی که در توده‌ی مردم الجزایر نفوذ دارد - وارد کارزار شده است. فقط یک استثنا دارد و آن اسلام وابسته به دستگاه‌های استعماری و فهدگونه است؛ و آلا حتی اسلام‌های به معنای اعتقاد عوامانه‌ی مردم هم مورد تهاجم است؛ چه برسد به اسلام ناب و انقلابی - و به تعبیر آن‌ها اسلام ایران - که دیگر وضعیتش روشن است» (گزیده بیانات تفاوت اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی ۸۹۳/۲۶). ایشان در خصوص حمایت از افراد مؤمن و متخصص در نهادهای فرهنگی برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن می‌فرمایند: «در محیط‌های فرهنگی، به نیروهای مؤمن تکیه شود. این‌ها سدی در مقابل تهاجم فرهنگی هستند» (بیانات رهبر ۷۵/۵/۲۱). بنابراین از حیث آسیب‌شناسی فرهنگی، رهبر انقلاب، مهم‌ترین مانع در مقابل هجوم فرهنگی دشمن را پرورش افرادی مؤمن و خداجو و تکیه‌برارزش‌ها و باورهای اصیل اسلامی ایرانی می‌داند و با اشاره به ویژگی بارز جهان‌شمولی بودن اسلام در دیدگاه ایشان، تهاجم فرهنگی را نه تنها برای میهنمان خطرناک می‌دانند بلکه تمام جهان اسلام را در بر خواهد گرفت که نابودی دنیای اسلام را در آینده به دنبال خواهد داشت.

۳ - ۴ - استحاله فرهنگی

از دیگر نشانه‌های بحران امنیت فرهنگی، استحاله فرهنگی است. استحاله فرهنگی به معنی جایگزینی ارزش‌های فرهنگی یا دگرگونی ارزش‌ها، این هجوم فرهنگ در نخستین گام‌های خویش به زدودن فرهنگ بومی می‌پردازد. مردم در سایه تبلیغات دشمن و پیروی کورکورانه از الگوهای فرهنگ مهاجم، ارزش‌های فرهنگی خود را نفی و شیفته فرهنگ بیگانه می‌شوند. آن‌ها چنان تحت تأثیر برنامه‌های دشمن قرار می‌گیرند که متوجه این تغییر نخواهند شد. از نظر آن‌ها پذیرش همه‌جانبه فرهنگ بیگانه تنها راه پیشرفت و توسعه به شمار می‌آید. در چنین فضایی، پیروی از بیگانگان فراگیر می‌شود؛

پوشش، آرایش، گویش و حتی خواهش‌های مردم تیره‌بخت، دگرگون شده و رنگ بیگانه می‌پذیرد از طرفی مردم جامعه مورد هجوم، در زیر رخنه فرهنگی مهاجمان ریشه‌های عقب‌ماندگی خویش را نه در دسیسه‌های دشمنان، بلکه در باورهای به‌اصطلاح کهنه و واپسگرایانه خود می‌پندارند. دز نظر این گروه، پنداشتهای فرهنگی خودی افیون توده‌ها و سد راه پیشرفت و تعالی آن‌ها تلقی شده و دین و اخلاق، باوری غیرعلمی، پوچ و کهنه به‌حساب می‌آید. در چنین فضایی، اصول انسانی و اخلاقی رنگ می‌بازد و پایبندی به باورهای مذهبی نشانی از انحطاط و جمودی فکری جلوه می‌کند. جامعه از برنامه‌های پیامبران، دور و در گرداب پلید باورهای مادی فرهنگ سلطه فرو می‌گلتد. بدین ترتیب، مردم زیر سلطه نه تنها خطر ساز نیستند بلکه پذیرش برنامه‌های استعماری را نیز نشانه سربلندی، دانش و تمدن می‌پندارند (معاونت فرهنگی سپاه پاسداران، ۱۳۷۸: ۵۲-۵۱)

از این‌رو تلاش هماهنگ و حساب‌شده در جهت استحاله فرهنگی، واقعیتی خطرناک و درعین حال غیر انکار و مقوله‌ای پیچیده و دشوار است. شاید به دلیل همین پیچیدگی باشد که متأسفانه برخی از خودی‌ها چنان که باید و شاید، ژرفای این حرکت خانمان‌برانداز را حس نمی‌کنند. حرکتی سازمان‌یافته با اهداف سیاسی در جهت تضعیف و نهایتاً براندازی نظامی در حال شکل‌گیری است. عهده داران این معرکه در چهره طراحان هدف‌دار و با برنامه گاه خودنمایی می‌کنند که بر آن هستند تا با تغییر ذائقه و ارزش‌های مورد قبول مردم و رسوخ در ایمان و اعتقادات آن‌ها، روند استحاله فرهنگی را شتاب بخشند از این‌رو؛ گاه در قالب مجریان آگاه و ناآگاه خودی که تحت تأثیر باورهای غربی و تفسیرهای تجدیدنظرطلبی و لیبرالی از دین در پوشش آرا اومانستی و بهره‌گیری از تعابیر و واژه‌های دینی و روی آوردن به نوعی رفورمیسم مذهبی و به تعبیر غربی‌های اسلام متجدد یا مدرنیستی این عمل انجام می‌گیرد و متأسفانه با شگفتی باید یاد کرد که گاه آتش بیاران این معرکه، مسئولان فرهنگی هستند که تفسیر درستی از تساهل و تسامح و حدود آن در اسلام ندارند و با گرفتار شدن در امواج تبلیغاتی ساخته‌شده توسط دشمن، میدان را برای فعالیت روشنفکران لائیک و مدعی جمهوری سوم و پلورالیسم دینی هموار می‌کنند (نبی، ۱۳۷۷: ۱۰). در همین راستا مقام معظم رهبری نقشه دشمن را نفوذ در بین نیروهای داخلی خواند که با این روش قصد دارد ملت ایران را از درون استحاله کند. ایشان می‌فرمایند: «قبلاً به تهاجم نظامی تهدید می‌کردند؛ اما الان اعتراف می‌کنند که نقشه قبلی‌شان غلط بوده است. آن‌ها می‌گویند نقشه باید این باشد که ما بتوانیم از درون، ملت ایران را استحاله کنیم؛ آن‌ها دنبال این هستند. استحاله هم دو جریان دارد: یک جریان فرهنگی، یک جریان سیاسی؛ ملت ایران متوجه باشد. قصد نظام استکباری آمریکا و صهیونیست‌هایی که دستشان در دست آن‌هاست و باهم در یک جبهه هستند، این است که بتوانند ملت را نسبت به آرمان‌ها و عقاید و هدف‌هایش بی‌تفاوت و بی‌اعتنا کنند و بعد بتوانند به وسیله عوامل و مزدوران خود زمینه را برای بازگشت سیطره آمریکا بر ایران فراهم نمایند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۲/۸/۲۳). ایشان در ادامه سخنانشان به جوانان گوشزد کردند که مواظب این جریان انحرافی باشند و می‌فرمایند: «جولان عزیز ما متوجه جریان فرهنگی‌ای که می‌خواهند راه بیندازند، باشند؛ یعنی تزریق لابلایگری و اباحیگری و کشاندن به هرزگی و بی‌اعتنایی به اخلاق منضبط دینی و اسلامی. هم جوانان، هم مسئولان علمی، هم آموزش و پرورش و هم کسانی که به مسائل جوانان می‌پردازند باید مراقب این موارد باشند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۲/۸/۲۳). در جای دیگری ایشان آمریکا را مسبب همه این عوامل می‌داند اما اراده و قدرت جوانان متدین را بزرگ‌تر از نقشه‌های شوم دشمن می‌داند و می‌فرماید: «شکست بزرگ‌تر آمریکایی‌ها در

میدانی است که امروز آراسته‌اند؛ و آن عبارت است از تلاش برای استحاله‌ی نظام جمهوری اسلامی. آن‌ها می‌خواهند با ابزارهای سیاسی، با ابزارهای فرهنگی و با دست‌نشانندگان فرهنگی و سیاسی، نظام اسلامی را از حقیقتش، از روحش و از هویت واقعی‌اش تهی کنند؛ و این هم شکست خواهد خورد؛ و این بزرگ‌ترین شکست امریکا از شما عزیزان مؤمن جوان در نیروهای بسیج است (بیانات در مراسم صبحگاهی رده‌های مختلف نیروهای بسیج ۸۴/۶/۲). از طرفی ایشان برای جلوگیری از استحاله فرهنگی راهکاری ارائه می‌دهند: و می‌فرمایند «در جامعه‌ی اسلامی دائماً باید صیورت و تحول وجود داشته باشد تا در این تزریقات بیگانه یا رسوبات گذشته، افراد استحاله نشوند» (بیانات در دیدار با مسئولین کمیته امداد امام خمینی ۱۳۷۰/۱۲/۱۴)؛ بنابراین رهبر انقلاب با تأکید بر عزم و اراده جوانان و شناختن نیروی نفوذی بیگانه در داخل استحاله را بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت فرهنگی نظام معرفی کردند که با تکیه بر قوانین و قواعد اسلامی می‌توان جلوی هجوم فرهنگی را گرفت.

۴- الزامات تحقق امنیت فرهنگی از منظر و کنش رهبری

مهم‌ترین عوامل و الزامات تحقق امنیت فرهنگی در متن سخنان رهبری عبارت‌اند از:

۴-۱- حرکت‌های خودجوش مردمی

ما همواره در طول تاریخ شاهد حرکت‌های خودجوش مردمی در عرصه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره بوده‌ایم. بعد از انقلاب اسلامی روند فعالیت‌های داوطلبانه‌ای چه در عرصه فرهنگ و چه در عرصه‌ها دیگر به وضوح دیده شده است. امروزه بسیج یکی از این تشکل‌های خودجوش مردمی است که نقش اصلی در ترویج فرهنگ اسلامی ایفا می‌کند. برگزار اردوهای دانشجویی بسیج در مناطق محروم و ارائه کلاس‌های تقویتی در جهت ترویج و تثبیت سبک زندگی اسلامی، احیا و زنده نگه‌داشتن فرهنگ اصیل اسلامی نمونه موردی از اقدامات انجام‌گرفته شده توسط دانشجویان آگاه و فعال در زمینه فرهنگ می‌باشد. از این‌رو مهم‌ترین هدف دشمن برای براندازی هر نظام، رخنه در بین چنین افراد آگاه و انقلابی است تا بستر و زمینه سست شدن پایه‌های چنین نظامی را فراهم کند. همان‌طور که دیده‌ایم اخیر اقداماتی نسنجیده از طرف افرادی به صلاح بسیجی صورت می‌گیرد که به اسم بسیجیان مخلص انقلاب نوشته می‌شود بنابراین باید جلوی این اقدامات گرفته شود باید به جوانان متدین با اخلاق فرصت داد تا استعدادهای خود را شکوفا کنند و فرق بین بسیجی و غیر بسیجی اصلح شناخته شود. مقام معظم رهبری بارها در سخنانشان براهمیت این موضوع تأکید فراوانی داشتند؛ و می‌فرمایند: «می‌دانید که مسائل فرهنگی به نظر من بسیار مهم است؛ بنده به مسائل فرهنگی اهمیت بسیار زیادی می‌دهم و آنچه امروز می‌خواهم عرض بکنم، همان مطلبی است که به نظرم سال گذشته بود یا سال قبلش بود که در همین جلسه‌ی اول سال عرض کردم که این مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی می‌کنند الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه‌ی خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار می‌کنند، خودشان فکر می‌کنند، خودشان تلاش می‌کنند و کار فرهنگی می‌کنند- روزبه‌روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به این‌ها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آن‌هایی که مربوط به فرهنگ هستند، به‌جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزش‌های اسلامی را باز کنند، آغوش خود را به روی بچه مسلمان‌ها، به روی جوان‌های مؤمن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌اللهی باز کنند؛ این‌ها می‌توانند کار کنند و دارند کار می‌کنند؛ کارهای فرهنگی باارزشی دارد انجام می‌گیرد. در همه‌ی زمینه‌ها جوانان انقلابی ما می‌توانند تلاش کنند، کار کنند (بیانات در اجتماع زائران و

مجاوران حرم مطهر رضوی بیانات (۹۵/۱/۱). از بیانات رهبری این چنین استناد می‌شود اگر در جامعه حرکت‌ها خودجوش داوطلب صورت نگیرد با اجبار نمی‌شود کسی را مجبور به کاری کرد بنابراین باید فعالیت‌های بسیجیان فعال، جوانان انقلابی، مردم دلسوز انقلاب و نظام محترم شمرده شود و این‌ها رابه فعالیت‌های داوطلبانه تشویق کنند. ایشان در جای دیگر بیان داشتند: «اینکه از همه‌ی استعداد‌های موجود کشور دعوت می‌کنیم که استعداد‌های خودشان را در خدمت پیشرفت این کشور به کار بیندازند و به صحنه بیاورند و به میدان بیاورند و از مسئولان دولتی و سایر مسئولان دعوت می‌کنیم که از این استعدادها استقبال بکنند، این آن بخش فعال اجتماعی این جهاد کبیر است» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۵/۳/۳).

۴-۲- حرکت جهادی

رهبر انقلاب اسلامی، حضور جهادی در عرصه‌های گوناگون، خصوصاً میدان‌های تأثیرگذار برای آینده‌ی کشور را از دیگر عوامل موفقیت و پیشرفت دانستند و افزودند: «اقدام جهادی به معنای خسته نشدن در مقابل سختی‌ها و موانع، ایمان به مسیر و حرکت بر اساس فکر و منطق است. آیت‌الله خامنه‌ای نسل جدید را بسیار توان‌تر، آگاه‌تر و هوشمندتر از نسل اول انقلاب برشمردند و با اشاره به جنبش دانشجویی تأکید کردند: «جنبش دانشجویی به معنای حرکت جهادی در مسیر و در خدمت آرمان‌های انقلاب است و نه بر ضد آرمان‌هاست» (دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه شریف با رهبر انقلاب ۹۵/۱۰/۱۳). مقام معظم رهبری جهاد را تلاشی دانست که در برابر یک چالش خصمانه از سوی دشمن صورت گرفته است. ایشان در همین راستای مدیریت جهادی را این گونه تعریف کردند: «آن وقت معنای مدیریت جهادی در اینجا این است که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور و پیشرفت علمی کشور با یک چالش خصمانه مواجه است که در مقابل این چالش خصمانه شما دانشجویان، اساتید و مدیران، باید بایستید؛ این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت دانشگاه، چه مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخش‌های گوناگون این عرصه‌ی عظیم، خواهد شد (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۹۴/۴/۱۱). ایشان فرهنگ جهادی را از برکات ثمرات انقلاب اسلامی دانستند که در همه عرصه‌های پیشرفت و توسعه کارگشاست. رهبر انقلاب می‌فرمایند: «آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید و در زمینه کارهای زیربنایی، کشاورزی و دامداری و امثال این‌ها هم از اول انقلاب روح و فرهنگ جهادی وارد میدان شد» (بیانات در دیدار با جمعی از کشاورزان ۸۲/۱۰/۱۴). وی غفلت از چنین روحیه‌ای را گناه بزرگی دانستند که آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای کشورمان به بار خواهد آورد و می‌فرمایند: «غفلت از روحیه‌ی جهادی و ایثار، غفلت از تهاجم فرهنگی دشمن، غفلت از در کمین بودن دشمن، غفلت از نفوذ دشمن در فضای رسانه‌ای کشور، بی‌مبالاتی نسبت به حفظ بیت‌المال؛ این‌ها گناهان ماست، این‌ها نقاط ضعف ماست» (بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۶/۰۵/۱۳۹۰). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه پرهیزگاری، نیت الهی و توکل به خداوند متعال، از لوازم تلاش و حرکت جهادی است، افزودند: «چنین تفکر و روحیه‌ای در کارهای علمی، موجب عنایت پروردگار و باز شدن راه‌ها به سوی پیشرفت علمی خواهد شد» (دیدار مسئولان و جمعی از محققان جهاد دانشگاهی با رهبر انقلاب ۹۳/۳/۱۹). اگر بخواهیم این پیشرفت حقیقی انجام بگیرد، باید خصوصیات انقلابی‌مان را حفظ کنیم، حرکت جهادی‌مان را حفظ کنیم، عزت و هویت ملی‌مان را حفظ کنیم، هضم نشویم، و در هاضمه‌ی خطرناک فرهنگی و اقتصادی جهانی هضم نشویم؛ اگر این‌ها را رعایت بکنیم، این درست

خواهد شد (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۵/۱۲/۲۰). بر این اساس اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خبثت-آمیز قدرت‌های جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت روبه‌جلو را ادامه خواهد داد (دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران با رهبر انقلاب ۲۳/۱۰/۹۲). پیشرفت علمی، بایستی با نگاه بومی و با تکیه‌ی به فرهنگ خودمان باشد - فرهنگ ما یعنی اسلام و موارث ملی پسندیده‌ی ما - و نیز ناظر به نیازهای کشور. این، بایستی مجموعه‌ی حرکت علمی ما را تشکیل بدهد. ممکن است بعضی خدشه کنند که آقا مگر می‌شود؟ ما باید این باور را پیدا کنیم - حرکت جهاد گونه باید کرد. جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه‌ی میادین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری - در حد معقول البته - و پیشرفت و امید به آینده (بیانات در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها ۷۸/۸/۳). ایشان، تقویت روحیه خودباوری و باور به توانایی‌های خویش را از ضروریات حرکت جهادی دانستند و می‌فرمایند: «متأسفانه در سال‌های متمادی تلاش شد تا به ایرانیان تلقین شود، که نمی‌توانند اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام بزرگوار (ره)، روحیه «ما می‌توانیم» را وارد فرهنگ و ادبیات سیاسی و انقلابی کشور کرد و نتیجه آن اکنون، به صورت بروز توانایی‌های ملت ایران، در عرصه‌های گوناگون، قابل مشاهده است (دیدار مسئولان و جمعی از محققان جهاد دانشگاهی با رهبر انقلاب ۹۳/۳/۱۹).

۴-۴ مشارکت خودجوش، آگاهانه، ساختارمند همه آحاد جامعه در نظام مردم‌سالار

دینی (آتش به اختیار)

با هدف سمت‌وسو دادن به پروژه‌های ناتمام فرهنگی، اجتماعی در سطوح و ابعاد مختلف جامعه، رهبر انقلاب ایده-ای آتش به اختیار را به همه اقشار و گروه‌های اجتماعی به‌خصوص جوانان و تحصیل‌کردگان معرفی کردند ایشان در دوران زعامت خود، برون‌رفت از وضعیت و شرایط نامطلوب کشور و محقق شدن اهداف، غایات و دستاوردهای مادی - معنوی انقلاب را در گروهی مبنا قرار دادن حرکت‌های انقلابی و جهادی مطرح دانسته‌اند. رهبر انقلاب در همین راستا در جمع فرماندهان سپاه محمد رسول‌الله می‌فرمایند: «جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند؛ اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که جهاد رزمی نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که جهاد سیاسی نامیده می‌شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به جهاد فرهنگی تعبیر می‌شود و یک وقت در میدان سازندگی است که به آن جهاد سازندگی اطلاق می‌گردد» (بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله ص ۱۳۷۵/۳/۲۰)؛ از این رو رهبر انقلاب با تاسی از معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و سیاست اسلامی، ایده جالب آتش به اختیار را بر اساس مبنا قرار دادن مهم‌ترین اصل مردم‌سالاری دینی و آموزه‌های اسلامی یعنی امر به معروف و نهی از منکر در ماه رمضان دیدار با دانشجویان و همچنین عید سعید فطر در سال ۱۳۹۶ مطرح کردند.

هرچند در نگاه و نگرش مدیریتی رهبر انقلاب، مقوله آتش به اختیار به‌عنوان یک رویکرد جهت عبور از شرایط بحرانی و اضطراری موقت در حوزه فرهنگی - اجتماعی جامعه مطرح است؛ ولی باید گفت که امروزه در اثر گسترش بیشتر از پیش موج جهانی‌شدن فرهنگ و توسعه بی‌حد و حصر ابزارها و وسایل

نهاددینگی این جریان‌ها از سوی دیگر توسعه سبک زندگی ایدئولوژی و فرهنگ مصرفی نظام سرمایه‌داری در اغلب نقاط جهان، به نظر می‌رسد که استحاله و اضمحلال دیگر فرهنگ و تمدن‌ها در تیررس این پروژه قرار داشته است. در برخی از کشورهای اسلامی، مدیریت نامطلوب و ناکارآمد برخی مدیران و حکام، تلاش‌های برخی از افسران از جمله نخبگان و سیاستمداران وابسته، روشنفکران غرب‌زده مزید بر علت شد که مشکلات فرهنگی به‌عنوان مسئله اساسی آن‌ها تبدیل شود. رهبر انقلاب با تحلیل و تشریح وضعیت فرهنگی و اجتماعی حاکم بر دنیای جهان اسلام، در یکی دو دهه اخیر صحبت از نزاع‌های فرهنگی در قالب واژگان «تهاجم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، «ناتوی فرهنگی»، «قرارگاه فرهنگی»، «افسران جنگ نرم» «آتش به اختیار» و... کرده‌اند (جمشیدی ۱۳۹۶)؛ بنابراین حل و فصل معضلات فرهنگی، حفاظت از هویت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای بومی و اصیل جامعه همواره دغدغه اصلی یکی دو دهه رهبر انقلاب بوده است که در جلسات با کارگزاران مختلف نظام به آن‌ها یادآوری کرده بود.

ایشان در ۱۹ آذر ۱۳۹۲ در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، اهمیت فرهنگ برای جامعه می‌فرمایند: «فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند؛ به این باید توجه کرد (در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۲). همچنین رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان در مورد وضعیت فرهنگی جامعه می‌فرمایند: «یک مسئله هم مسئله‌ی فرهنگ است؛ که آقایان هم حالا معلوم شد که نگرانی دارید، بنده هم نگرانم. مسئله‌ی فرهنگ، مسئله‌ی مهمی است. اساس این ایستادگی، این حرکت و درنهایت ان‌شاءالله پیروزی، بر حفظ فرهنگ اسلامی و انقلابی است و تقویت جناح فرهنگی مؤمن، تقویت این نهال‌هایی که روییده است در عرصه‌ی فرهنگ؛ بحمدالله جوان‌های مؤمن خوبی داریم در عرصه‌ی فرهنگ و هنر؛ فعالیت کردند، کار کردند؛ حالا بعضی جوان‌اند، بعضی دوره‌ی جوانی را هم گذرانده‌اند؛ ما عامل فرهنگی کم نداریم. ما حتماً در مسئله‌ی فرهنگ [باید توجه کنیم]، دولت محترم هم باید توجه کند، دیگران هم توجه کنند. با مسئله فرهنگی شوخی نمی‌شود کرد، بی‌ملاحظگی نمی‌شود کرد؛ اگر چنانچه یک رخنه‌ی فرهنگی به وجود آمد، مثل رخنه‌های اقتصادی نیست که بشود [آن را] جمع کرد (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۱۲/۱۵). ایشان در سخنان ابتدای عید خود در حرم رضوی می‌فرمایند: «فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد» (بیانات در حرم رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱).

رهبر انقلاب در عید نوروز و در جوار زائرین نوروزی امام رضا (ع) در مورد بطن و شالوده فرهنگ غربی که در حوزه اجتماعی و فرهنگی کشور نهادینه می‌شود، تحت عنوان ولنگاری فرهنگی نام بردند و در همین راستا فرمودند: «آزادی غیر از ولنگاری است؛ آزادی غیر از رهاسازی همه‌ی ضابطه‌ها است. آزادی — که نعمت بزرگ الهی است — خودش دارای ضابطه است؛ بدون ضابطه، آزادی معنی ندارد. اگر چنانچه کسانی هستند در کشور که برای تیشه به ریشه‌ی ایمان جوانان زدن دارند تلاش می‌کنند، نمی‌شود این را تماشا کرد به‌عنوان اینکه این آزادی است. همچنان که اگر هروئین و بقیه‌ی مواد مسموم‌کننده‌ی بدن و بدبخت‌کننده‌ی خانواده‌ها را کسی بخواهد بین این و آن توزیع کند، نمی‌شود بی‌تفاوت نشست. اینکه ببینیم کسانی با استفاده‌ی از هنر، با استفاده‌ی از بیان، با استفاده‌ی از ابزارهای گوناگون، با استفاده‌ی از

پول، راه مردم را بزنند، ایمان مردم را موردتهاجم قرار بدهند، در فرهنگ اسلامی و انقلابی مردم رخنه ایجاد کنند، ما بنشینیم تماشا کنیم و بگوییم که آزادی است، این جور آزادی در هیچ جای دنیا نیست!» (بیانات رهبر انقلاب در عید نوروز بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۱). یا درجایی دیگر ضمن نقد سیاست‌های فرهنگی و وضعیت حاکم بر جامعه می‌فرمایند «در مسئله‌ی فرهنگ، بنده احساس یک ولنگاری می‌کنم؛ در دستگاه‌های فرهنگی - اعم از دستگاه‌های دولتی و غیردولتی - یک نوع ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ وجود دارد؛ چه در تولید کالای فرهنگی مفید که کوتاهی می‌کنیم، چه در جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر که کوتاهی می‌کنیم» (بیانات در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۵/۳/۱۶).

در چنین شرایطی است که رهبر انقلاب در نظام مردم‌سالار دینی موجود در ایران، در دیداری که ماه رمضان سال ۹۶ داشته‌اند از نخبگان جوان، دانشجویان و سایر اқشار جوان جامعه به‌عنوان افسران جنگ، افراد دارای انرژی مضاعف، توان و همت بلند و... می‌خواهد فساد ستیزی، شفافیت محوری، معنویت گسترده، خدمت محوری، آزادی، عدالت اجتماعی و... که از آرمان‌های اصلی انقلاب بوده‌اند و امروزه در اثر سوء مدیریت‌ها و اختلافات بروکراتیک و اداری، روی کار آمدن گفتمان‌های مختلف و بعضاً متعارض نخبگان سیاسی، به‌عنوان گمشده جامعه و بخش مهمی از اқشار و طبقات آن تبدیل‌شده‌اند را در قالب ایده آتش به اختیاری به‌عنوان یک وظیفه قانونی، تکلیف شرعی در دستور کار جهادی و عقلانی خود قرار دهند. در دیدار ماه رمضان رهبر انقلاب با جمعی از نخبگان و دانشجویان در رابطه با مدیریت و نظارت مطلوب در سطح جامعه در حوزه‌ها و ابعاد مختلف می‌فرمایند: «در حوزه مسائل فرهنگی و وضعیت اختلال‌گر فرهنگی تماشاچی و نظاره‌گر نباشید و بر اساس توان و ظرفیت خود، بدون توجه به نتایج و مادی این کار با اولویت‌بندی موضوعات و مسائل کشور و تحقق جامعه مطلوب اسلامی، ایجاد تعالی و پیشرفت مادی و معنوی افراد مختلف جامعه، آتش به اختیاری بودن را سرلوحه کاری خود قرار دهید؛ در جنگ نظامی، گاهی «قرارگاه مرکزی» دچار اختلال می‌شود، در جنگ فرهنگی نیز گاهی «نهادهای فرهنگی رسمی و دولتی»، گرفتار اختلال می‌شوند و از انجام دادن وظایف و مسئولیت‌های قانونی خویش، باز می‌مانند. در این حال، همچنان که در جنگ نظامی، نیروها باید خودشان ببینند و اقدام کنند، در جنگ فرهنگی نیز باید نیروها، بدون تکیه بر نهادهای فرهنگی رسمی، چاره‌اندیشی و تدبیر و حرکت کنند (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با دانشجویان، رمضان ۱۳۹۶/۳/۱۷). بر همین اساس در شرایط فعلی که جنگ، جنگ فرهنگی است، وظیفه و رسالت همه افراد به‌خصوص دانشجویان آگاه و عقلانی، ایجاد و گسترش کارهای عمیق و مهم فرهنگی در قالب «گفتن» «تبیین کردن»، «فانع ساختن» و «گفتمان سازی» برای همه آحاد جامعه است. در واقع ایده آتش به اختیار تلاش می‌کند مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی یعنی فرهنگ‌سازی و نهادینگی مسئولیت‌پذیری همه آحاد جامعه، حراست از احکام دین و استقلال فرهنگی، مشارکت آگاهانه و خودجوش همه آحاد جامعه، مبنای عمل قرار دادن قانون اساسی، خدمت به محرومان بر پایه عدالت اجتماعی، نقد اصحاب قدرت و ثروت، برملا کردن مدیریت‌های باندى و سیاسى، نقد افراط و تفریط سیاست‌های فرهنگی اجتماعی کشور در برهه‌های گوناگون را در سطوح مختلف جامعه احیا و گسترش دهد.

در مورد معانی اصطلاحی این واژه باید گفت که آتش به اختیار یک مفهومی میان‌رشته است که با بهره‌گیری از عناصر و مقولات فرهنگی، مدیریتی، نظامی و اجتماعی، خروج و برون‌رفت از وضعیت و شرایط بحران گونه و مسئله‌آمیز جامعه را در نظر دارد. در یک تعریف کلی می‌توان آن را این‌چنین

تعریف کرد: رفتار و کنش اختیاری، داوطلبانه و آگاهانه‌ای که جهت دفع یا رفع تهدیدات مستقیم و غیره مستقیم دشمنان در ابعاد و سطوح فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و... از سوی همه آحاد جامعه در دستور کار قرار گرفته است؛ به عبارتی هرگونه ابزار و سلاح جهت دفع و رفع دشمن و تهدید از سوی یکایک افراد را آتش به اختیار فرهنگی می‌گویند (منصوری، ۱۳۹۶). در یک کلام باید گفت آتش به اختیار یعنی کار فرهنگی بدون امکانات حکومتی؛ یعنی تلاش و کوشش شبانه‌روزی خالصانه با انجام یک کار پر حجم با مسیری ابتکاری و میانبر. این واژه یک اصطلاح ترکیبی است که کاربرد اصلی آن در حوزه نظامی است. در کاربردهای نظامی زمانی که ارتباط خط مقدم با دیگر خطوط به هر دلیلی قطع می‌شود، افراد درگیر بر اساس اصل اساسی دفاع از خود و سنگر، موظف هستند تا خود زمام امور را به دست گیرند و میدان را مدیریت کرده و به صیانت و دفاع از سنگر پرداخته و دشمن را به هر وسیله‌ای دفع کنند یا از حرکت بازدارند. بر این اساس فقدان فرماندهی و یا فقدان ارتباط با فرماندهی، موجب نمی‌شود تا نیروهای میدانی دست از دفاع یا حمله بردارند و منفعل عمل کنند، بلکه باید فرماندهی انتخاب کرده و در صورت عدم وجود چنین حالت و ظرفیتی هر یک از افراد خود به اختیار و اراده از هر راهبرد و سازوکاری برای دفع دشمن و تهدید اقدام کنند (منصوری، ۱۳۹۶). همواره این حرکت و رویکرد مطرح نیست، بلکه زمانی که در وضعیت جنگ گونه و اضطراری در حوزه‌های مختلف به خصوص فرهنگی — اجتماعی و اقتصادی، یا فرمانده وجود ندارد یا مدیری نالایق و سست تدبیر وجود دارد که هر لحظه امکان سقوط و فروپاشی وجود دارد، از سوی افراد و اقشار قدرتمند، نیرومند و پراثری جامعه برای استوار ماندن پایه‌های نظام و شکست دادن روحیه برتری جوی رقیب صورت می‌گیرد. در چنین وضعیتی است که هر کسی بر اساس وظیفه، تکلیف و تشخیص شرایط وجودی خود، اقدام به رفتار و کنش سیستمی و هدفمند برای رسیدن به جهتی مشخص اقدام می‌کند. در بینش و کنش رهبر انقلاب آموزه‌های اسلامی و به‌طور کلی تحقق اهداف گفتمان اسلامی چنین خصلتی دارند.

رهبر انقلاب در ماه رمضان و دیدار با جمعی از نخبگان و دانشجویان فعال سراسر کشور در تبیین و تحلیل وضعیت فرهنگی جامعه و از سوی دیگر در پاسخ به بیانات یکی از دانشجویان که گفته بود محیط دانشگاه، محیطی سیاست زده و سکولار است از این‌رو نمی‌شود کار فرهنگی انجام داد فرمودند: «نگوید در دانشگاه دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ شنیدم این را که بعضی‌ها می‌گویند که آقا، دیگر در دانشگاه نمی‌شود کاری کرد؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی می‌شود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد. چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما. شما تشکّل‌ها هستید که در دانشگاه باید کار بکنید. البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هر کدام کار کنید؛ مستقل و به قول میدان جنگ، آتش به اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور می‌دهد، اما اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش به اختیار می‌دهد. خب شما افسرهای جنگ نرم اید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمی‌تواند درست مدیریت کند، آنجا آتش به اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید. گاهی اوقات انسان احساس می‌کند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند این‌ها دچار اختلال‌اند، دچار تعطیل‌اند؛ مسئله‌ی اصلی را از مسئله‌ی فرعی تشخیص نمی‌دهد و یک مسئله‌ی اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی، درشت می‌کنند. وقتی این‌جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان

آتش به اختیاری است که عرض کردم» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷). اما این ایده مبتنی بر مبانی و منابعی است که در شکل زیر آورده شده است:

(نگارندگان با تحلیل محتوای سخنان رهبر انقلاب در سخنرانی‌های متعدد)

رهبر انقلاب با مطرح کردن ایده آتش به اختیار در قالب واقعیت‌گرای آرمان‌گرا بر آن است که مسیر تحقق بخش اهداف انقلاب در سایه مینا قرار گرفتن حکمت و دانش اسلامی، خرد، تدبیر، فکر، محاسبات و کار کارشناسی، عقلانیت انقلابی امکان‌پذیر است. ایشان فضا و شرایط کلی حاکم بر کشور را حالت جنگ، البته به صورت نامحسوس روانی — ذهنی می‌داند که در یک شرایط نابرابر و حساس دشمن‌سنگرهای فرهنگی و معنوی جامعه، ایمان، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و به‌عنوان شالوده‌های هویتی افراد جامعه را در تیررس حملات خود قرار داده‌اند و از سوی دیگر با تبلیغات گسترده، نفوذ، دروغ، شایعه‌پراکنی استحاله فرهنگی — عقیدتی و فکری را دنبال می‌کنند (بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان: ۲/۷/۱۳۸۸)؛ بنابراین آتش به اختیار در سطوح مختلف فرهنگی جامعه الزامی و ضروری است. «برخی از قرارگاه‌های مرکزی ما، دچار «اختلال» هستند و از عهده «مدیریت» نیروهای فکری و فرهنگی بر نمی‌آیند، به طوری که نیروهای فکری و فرهنگی، نباید چشم امید به آن‌ها داشته باشند، بلکه باید خودشان به طور (مستقل) و (خویش بنیاد)، به طراحی عملیات و دفاع از مرزها و حریم‌های انقلاب و حمله به دشمنی بپردازند، در غیر این صورت، دشمن به شدت پیشروی خواهد گرفت و انقلاب با تهدیدها و خطرهای بزرگ‌تری، دست‌به‌گریبان خواهد شد. در اینجا، مقصود از قرارگاه‌های مرکزی که دچار اختلال شده‌اند، نهادهای رسمی هستند که به طور اصولی و اولی، برای چنین وظیفه‌ای ایجاد شده‌اند، اما بنا به دلایلی، اکنون از انجام وظایف خود بازمانده‌اند و نمی‌توانند به نیروهای غیررسمی کمک کنند، بلکه خود به بخشی از مشکلی تبدیل شده‌اند و از این‌رو، نیروهای غیررسمی نمی‌توانند به آن‌ها تکیه و از آن‌ها تبعیت کنند» (بیانات رهبر انقلاب در جمع دانشجویان: ۱۷ / ۳ / ۱۳۹۶).

رهبر انقلاب با توجه به موارد فوق بر ضرورت امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک حق و تکلیف جهت انتقاد و نظارت دائمی بر عملکرد و سیاست‌گذاری‌های کشور و ارائه راه‌حل‌های منطقی و عالمانه جهت برون‌رفت از وضعیت بحران‌زای کشور و استحکام پایه‌های هویتی و اقتدار کشور تأکید دارند و از دانشجویان و اқشار جوان به عنوان افسران جنگ نرم می‌خواهند که با مینا قرار دادن مسئولیت‌پذیری، قانون محوری، معنویت گسترده و... انرژی جوانی خود را جهت سروسامان دادن به وضعیت جامعه به‌کارگیرند (خواجه سروی، ۱۳۹۵: ۱۸: ۱۹). در این نگرش اعتقاد بر این است که وجود اختلال در ابعاد فرهنگی — اجتماعی جامعه معلول علل یا یکی از مؤلفه‌های سست‌تدبیری، سست عملی، ناکارآمدی، ندانم‌کاری، نسنجیده‌کاری، کوته‌نگری و سطحی‌اندیشی، بدفهمی، کج‌روی، دگراندیشی، چرخش ایدئولوژیک، تفکرات و اندیشه‌های التقاطی، تفریطی و افراط در حوزه فرهنگی — اجتماعی است (جمشیدی، ۱۳۹۶). با تحلیل سخنان مقام معظم رهبری در رابطه با جایگاه و نقش مقوله آتش به اختیاری بودن همه آحاد جامعه در تحقق اهداف و غایات مطلوب مادی و معنوی در نظام مردم‌سالار دینی، جایگاه مهمی را به آن اختصاص داده‌اند؛ اما جهت دستیابی مطلوب این رویکرد جهادی و تکلیف‌گرا در نظام مردم‌سالار دینی، نیازمند در پیش گرفتن نگاه و نگرش‌های زیر است

نتیجه‌گیری:

اغلب نظریه‌پردازان و اندیشمندان داخلی و خارجی انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان یک حرکت و جنبش

فرهنگی و مذهبی در سطوح مختلف مطرح کرده اند. مسائل و مباحث فرهنگی در اندیشه و کنش رهبران انقلاب جایگاه مهم و کلیدی داشته است. با رهبری و زعامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به تغییر و تحولات داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی این مهم وارد مراحل تازه‌ای گردید. دشمنان و رقبای جمهوری اسلامی پس از ناکامی در تحقق اهداف خود در ایران از راه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی، مباحث و مسائل فرهنگی را در راستای استحاله درونی در قالب جنگ نرم و نفوذ فرهنگی را در رأس برنامه کاری و سیاست‌های کلان اعمالی و اعلامی قرار دادند. رهبر انقلاب در همان ابتدای زعامت خود با بصیرت و ذکاوت خاص این مسئله را مدنظر داشته است، به طوری که ایشان در طی دو دهه اخیر اغلب شعارها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را بر اساس مهم و مهم بودن مسئله فرهنگ به متولیان و نهادهای مربوطه اعلام کردند.

در راستای استحکام ارزش‌ها و هنجارهای درونی و بومی کشور و از سوی دیگر تحقق مطلوب‌تر اهداف کلان انقلاب در داخل و خارج، تاکتیک و برنامه‌های مختلفی در طی سالیان اخیر از سوی ایشان مطرح شده است. در گفتمان‌های ارائه‌شده از سوی ایشان، دال مرکزی و محور ثقل تحولات و شاکله اصلی را مباحث و مسائل فرهنگی و امنیتی آن تشکیل داده است، از این رو کوشیده‌اند با فرمول‌بندی و سازمان‌دهی کردن ساختار سیاسی - اجتماعی کشور بستر تعالی مادی و معنوی افراد و اقشار مختلف جامعه را امکان‌پذیر گردد. مقوله‌هایی که در این راستا از سوی ایشان در دستور کار قرار گرفته است عبارت‌اند از تلاش جهت بصیرت‌افزایی و آگاهی‌سازی همه افراد و اقشار مختلف از جنگ نرم و تهدید داخلی کشور از سوی دشمنان، تأکید بر سبک زندگی ایرانی - اسلامی، تلاش جهت مطرح کردن مدل پنج‌گانه تمدن اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، جامعه اسلامی، دولت اسلامی و نهایتاً تمدن نوین اسلامی) برای همه اقشار و افراد جامعه و سخنرانی در مجامع و مجالس مختلف جهت واشکافی و تحلیل ابعاد و سطوح مختلف آن، تأکید بر اتحاد و انسجام داخلی، شرکت و حضور فعال و مستمر همه آحاد جامعه پای صندوق‌های رأی جهت تعیین سرنوشت مطلوب حال و آینده خود، تأکید بر قانونمندی و شایسته‌سالاری، تأکید بر کار جهادی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، تأکید بر ایده جذاب و جالب فرهنگی - اجتماعی آتش به اختیار و... از جمله مقوله‌هایی هستند که از سوی رهبر انقلاب و سایر نهادها و ارگان‌های فرهنگی و اجتماعی کشور جهت تحقق مطلوب‌تر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مطابق با شأن و منزلت و کرامت انسانی همه افراد و اقشار مختلف در دستور کار قرار گرفته است. دشمنان نظام هم در این راستا بی‌کار ننشسته‌اند و سعی می‌کنند از طرق و ابزارهای مختلف که این روزه بستر مناسب‌تر آن‌ها در قالب پارادایم جهانی‌شدن، مطرح‌شدن حقوق بشر، رشد فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و... فراهم شده است، بر فشارها و تهدیدات مستقیم علیه کشور در سطوح مختلف به کار ببرند.

منابع و ماخذ

۱. ابراهیمی، خدایار (۱۳۹۴)، نفوذ فرهنگی زمینه‌ساز سلطه همه‌جانبه دشمن؛ با تأکید بر خودباختگی فرهنگی در اندیشه امام و رهبری، مطالعات عملیات روانی، شماره ۴۳، صص ۱۲۷-۹۶
۲. آشنا، حسام‌الدین و اسماعیلی، محمدصادق (۱۳۸۸)، امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی، راهبرد فرهنگ، شماره ۵، صص ۹۰-۷۳.
۳. امانت، حمید (۱۳۹۰)، امنیت اجتماعی و ارائه الگوهای سنجش آن، فصلنامه مطالعات امنیت

- اجتماعی، شماره ۲۷، صص ۱۷۶-۱۴۵.
۴. باقری، سیامک و یوسفی (۱۳۸۸)، «چیستی تهدید نرم»، مجموعه مقالات همایش امنیت نرم (امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران)، چاپ اول، تهران: دانشکده امام هادی.
۵. بیانات رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی بیانات ۹۵/۱/۱.
۶. بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه ۸۲/۸/۲۳.
۷. بیانات رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۹۵/۳/۳.
۸. بیانات رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۹۴/۴/۱۱.
۹. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از کشاورزان ۸۲/۱۰/۱۴.
۱۰. بیانات رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی ۷۸/۷/۱۷.
۱۱. بیانات رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۵/۱۲/۲۰.
۱۲. بیانات رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آن‌ها- ۹۴/۷/۱۵.
۱۳. بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران ۹۰/۵/۱۶.
۱۴. بیانات رهبری در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها ۷۸/۸/۳.
۱۵. بیانات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر، ۵ تیر ۱۳۹۶.
۱۶. بیانات رهبر انقلاب در جمع زائران حرم رضوی در سال‌های ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴.
۱۷. بیانات رهبر انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
۱۸. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی، ۱۲/۰۹/۱۳۹۲.
۱۹. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با دانشجویان، رمضان ۱۳۹۶/۳/۱۷.
۲۰. بیانات رهبر انقلاب در دیدار با فرماندهان سپاه انقلاب اسلامی ایران در تاریخ: ۱۳۹۵/۶/۲۸.
۲۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۵/۳/۱۶.
۲۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله ص ۱۳۷۵/۳/۲۰.
۲۳. بیانات رهبر انقلاب در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) سال‌های ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۴، ۸۸، ۹۲، ۹۳، ۹۶.
۲۴. بیانات رهبر در دیدار با اعضای مجلس خبرگان ۹۴/۱۲/۲۰.
۲۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا، ۷۱/۴/۲۲.
۲۶. بیانات مقام معظم رهبری در روز هفته بسیج در استادیوم آزادی، ۱۳۶۳/۹/۵.
۲۷. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (۱۳۹۶) مناظره عباس عبدی و مهدی جمشیدی در مورد آتش به اختیار اصطلاحی نظامی است یا فرهنگی، ۱۴ تیرماه ۱۳۹۶.
۲۸. پورعلی، محمد (۱۳۹۶) تفاسیر از مفهوم آتش به اختیار، جهاد علمی - دانشگاهی، ۲۷ تیر ۱۳۹۶، کد خبر: ۹۶۰۳۲۷۱۵۰۴۸.
۲۹. جمشیدی، مهدی (۱۳۹۶) عقلانیت غیره رسمی در موقعیت آتش به اختیار، تیرماه ۱۳۹۶، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. حبیبیان، محمدحسن، صبوری، محمدحسن (۱۳۹۱)، جنگ نرم و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سال یازدهم، شماره ۴۰: ۳۱-۵۲.
۳۱. خسروپناه، عبدالحسین و دیگران (۱۳۹۶) منظومه فکری آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، تهران:

- پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ج ۱ و ج ۲.
۳۲. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۳) تحکیم سیاست مردم‌سالار، گوشه‌ای از کارنامه‌ی سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۲۳ و ۲۴: ۶۳ - ۹۹
۳۳. خواجه‌وند احمدی، عیسی و همکاران (۱۳۹۶)، واکاوی شاخص‌های امنیت سیاسی در راستای توسعه صنعت گردشگری در استان مازندران، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۴: ۱۹۹-۱۸۳.
۳۴. دیدار مسئولان و جمعی از محققان جهاد دانشگاهی با رهبر انقلاب ۹۳/۳/۱۹.
۳۵. دیدار مسئولان و جمعی از محققان جهاد دانشگاهی با رهبر انقلاب ۹۳/۳/۱۹.
۳۶. دیدار نخبگان و دانشجویان بسیجی مدال‌آور دانشگاه شریف با رهبر انقلاب ۹۵/۱۰/۱۳.
۳۷. رضایی، زهرا، (۱۳۹۰)، تبیین رابطه اخلاق و فرهنگ، پژوهشنامه، شماره ۷۶، صص ۱۱۳-۱۲۸.
۳۸. زمانی، علی‌اکبر، شفیعی، جمال (۱۳۸۶)، درآمدی بر رابطه امنیت و فرهنگ در عرصه جهانی شدن، نگرش راهبردی، شماره ۸۴-۸۳: ۱۳۰-۱۰۹.
۳۹. سایت تحلیلی - تبیینی زیتون (۱۳۹۶) «آتش به اختیار» یعنی نهاد کوچک کیفی بسازیم»، کد خبر: ۲۳۱۱۹ در آدرس <http://www.zeytunnews.com/News/> ۲۳۱۱۹.
۴۰. سایت تسنیم (۱۳۹۶) مقوله تاریخی آتش به اختیار فرهنگی: ۲۳ خرداد ۱۳۹۶.
۴۱. سیف، مراد، (۱۳۸۹)، مفهوم شناسی امنیت اقتصادی، فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره ۹، ص ۳۵-.
۴۲. فیاض، سید علی (۱۳۸۰)، مردم‌سالاری دینی (گفتمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)، کتاب نقد پاییز و زمستان ۱۳۸۰ - شماره ۲۰ و ۲۱: ۳۲ - ۴۷
۴۳. گزارش اختصاصی خبرگزاری علم و فناوری (خرداد ۱۳۹۶) «آتش به اختیار» به مثابه اجتهاد در عرصه علم و عمل/ از آوینی تا چمران؛ آتش به اختیار نظامی و فرهنگی، شناسه خبر: ۱۷۱۴۴
۴۴. گزیده بیانات، تفاوت اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی ۸۹۳/۲۶.
۴۵. گلستانی، غلام نبی (۱۳۷۷)، سرمقاله جمهوری اسلامی، چالش‌ها و مراقبت‌ها، پژوهش‌های اجتماعی، اسلامی، شماره ۱۲: ۱۱-۴.
۴۶. معاونت انتشارات مرکز فرهنگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، (۱۳۷۸)، تهاجم فرهنگی، تهران: پاسداران انقلاب.
۴۷. مقدم، سعید، (۱۳۹۴)، شاخص‌های جامعه مطلوب در اندیشه امام سجاد، معرفت، سال ۲ بیست و چهارم، شماره ۲۱۹: ۲۸-۱۱.
۴۸. منصوری، خلیل (۱۳۹۶)، آتش به اختیار و مبانی و اصول آن از منظر آموزه‌های دینی، روزنامه کیهان: ۲۴ تیر ۱۳۹۶، کد خبری ۱۰۸۷۷۱
۴۹. مهاجر نیا، محسن (۱۳۹۶)، نظام سیاست اسلامی، در عبدالحسین خسروپناه و دیگران، ج ۲: ۷۵۲ - ۸۳۱
۵۰. موسوی، سید صدرالدین، قربی، سید محمدجواد، (۱۳۹۲)، روش‌های تحقق امنیت فرهنگی در منظومه فکری امام خمینی (ره)، پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۸، صص ۲۹-۸.
۵۱. میلانی، جمیل، نجات پور، یزدانی، (۱۳۹۱)، مسلمانان و امنیت فرهنگی اروپا در عصر جهانی شدن، پژوهش‌های سیاسی، شماره ۴، صص ۳۴-۲۴.

بازخوانی مسئله امنیت فرهنگی در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی... □ ۲۹

۵۲. نائینی، علی‌محمد، (۱۳۸۵)، امنیت فرهنگی؛ نظریه‌ها و رویکردها، مطالعات عملیات روانی، شماره ۱، صص ۱۹۱-۲۲۵.

۵۳. نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۲)، درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره نوزدهم، صص ۷۷-۵۵.

